

عینک آفتابی دلیا



سر تا با مال

موسیقی را ک

واق!

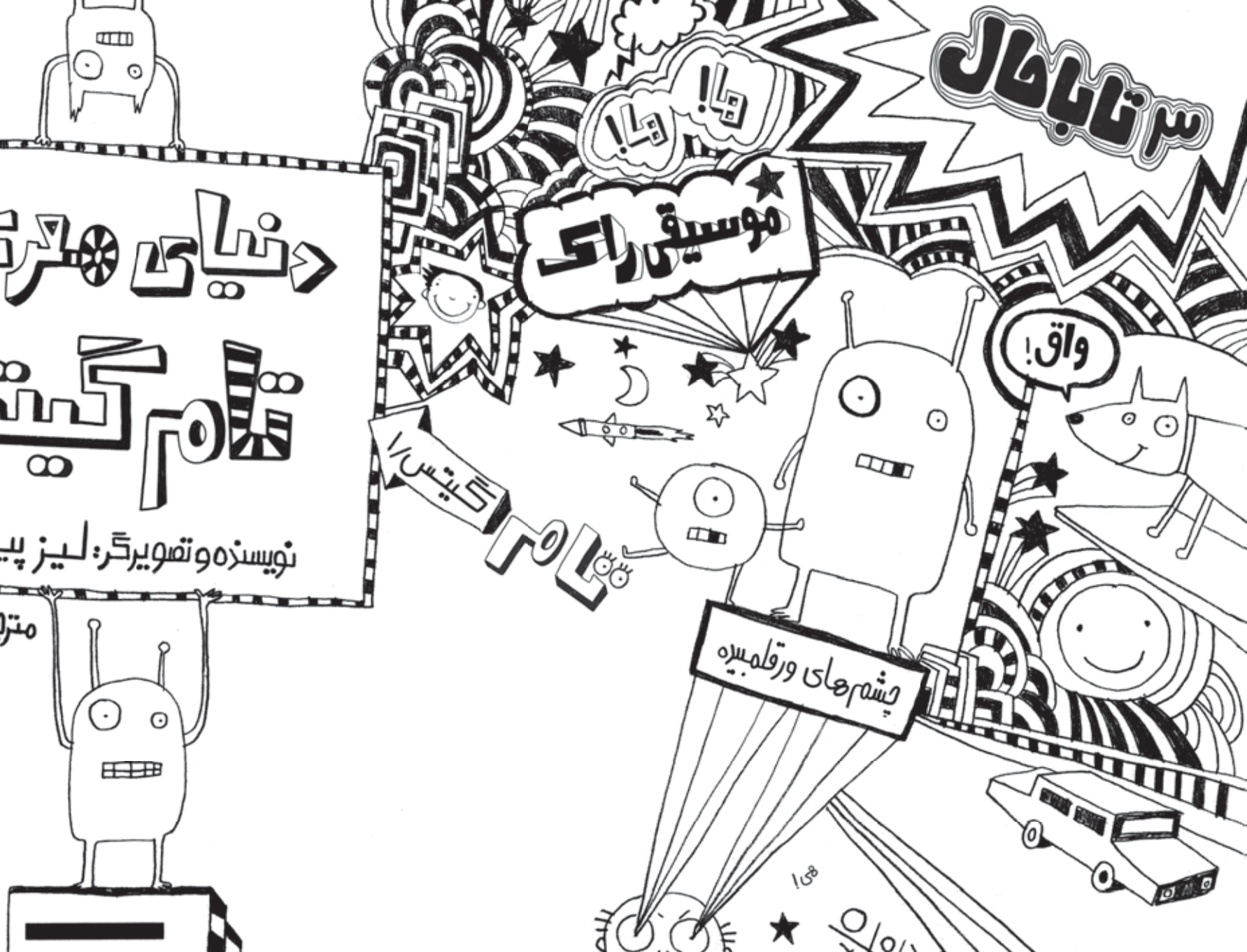
پشم‌های ورقلمبیره

گیتس!

گیتس!

نیای مگر که می
تاهم گیتس
نویسنده و تصویرگر: لیز پيشون

مترجم: بهرنگ ربیعی





TOM GATES #1:

THE BRILLIANT WORLD OF TOM GATES

Text & Illustrations © Liz Pichon, 2011

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهار چوب قانون بین‌المللی حق انحصاری
 نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا
 با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.
 انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان
 دیگر مخالف قوانین بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: پیشون، لیز

Pichon, Liz

عنوان و نام پدیدآور: دنیای معرکه‌ی تام گیتس / لیز پیشون؛ مترجم بهرنگ رجبی؛ ویراستار هدا توکلی.

مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۵۸ ص:؛ مصور: ۱۸۰۱۴ س.م.

فروست: تام گیتس؛ ۱.

شابک: ۹-۵۵-۸۰۲۵-۶۰-۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۵۵-۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فینیا

یادداشت: عنوان اصلی: [۲۰۱۱] . The brilliant world of Tom Gates

یادداشت: چاپ قبلی: اقی، ۱۳۹۲.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۱ م.

شناسه افزوده: رجبی، بهرنگ، ۱۳۶۰ - مترجم

شناسه افزوده: توکلی، هدا، ۱۳۶۱ - ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ د ۹۸۳ پ / PZV

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲ [ج]

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۴۱۵۸۶

تام گیتس / ۱ دنیای معرکه‌ی تام گیتس

ناظر چاپ: مرتضی فخری

چاپ بیست‌وهشتم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۳-۹-۹۵۷۶۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

شابک: ۹-۵۵-۸۰۲۵-۶۰-۹۷۸-۶۰۰

نویسنده و تصویرگر: لیز پیشون

مترجم: بهرنگ رجبی

ویراستار: هدا توکلی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

تایپوگرافی: ساتیا باجلان

طراح گرافیک: مهدخت رضاخانی



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱.

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

«همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا

محفوظ است.

«استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط

برای نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

حشره‌ی کوچک

این کتاب
تا
گیتس
نمره اش

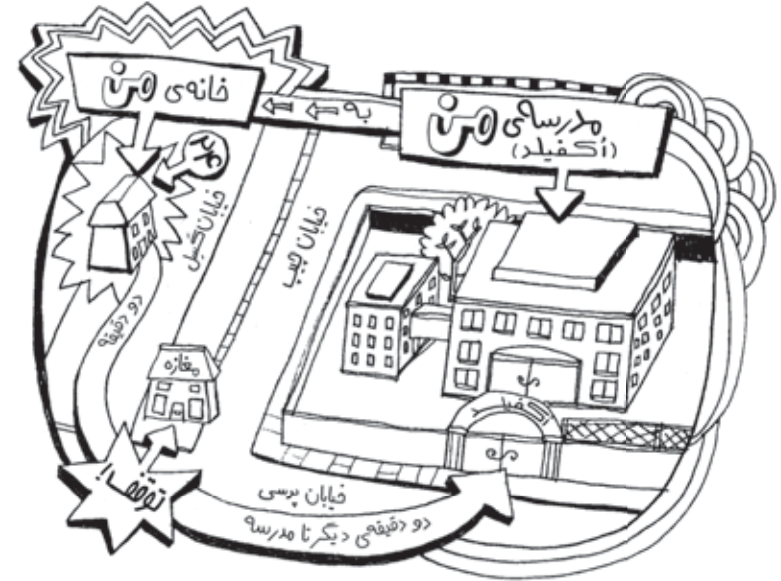
مهاقل



حتی بیشتر!



بیشتر وقت‌ها دیر می‌رسم مدرسه.
با اینکه از خانه‌ی ما فقط چهار دقیقه تا مدرسه راه است من



معمولاً دلیلش این است که من و درک (بهترین دوستم و همسایه‌ی دیواربه‌دیوارمان) سر راه مدرسه کمی (خُب، خلی) «گپ» می‌زنیم. بعضی وقت‌ها دلیلش این است که حواس من پرت می‌شود به آدامس‌های میوه‌ای و ویفرهای کاراملی مغازه. هر از گاهی هم دلیلش این است که من یک کوه کارهای خیلی مهم‌تر دارم.

کاری که امروز صبح کردم این بود

(اولین روزی که دوباره رفتم مدرسه).

بیدار شدم - موسیقی گوش دادم. گیتار زدم.

قل خوردم از تخت پایین (خیلی کند).

دنبال جوراب‌هایم گشتم

دوباره گیتار زدم. متوجه شدم مشق تعطیلاتم را انجام نداده‌ام.

وقت کردم به این فکر کردم که بهانه‌ی خوبی برای همراه نداشتن مشقم دست و پا کنم (آه!).

خواهرم، دلیا، را اذیت کردم. می‌پذیرم که امروز صبح همین کار وقتم را گرفت (هر چند خوش گذشت).

عینک آفتابی دلیا را قايم کردم.

کتاب قصه‌ی مصورم را با خودم بردم توی دست‌شویی تا بخوانم (تمام این مدت دلیا بیرون منتظر بود - ها! ها!).

مامان که داد می‌زند...

کِه یک رکورد جهانی **تازه** است برای تام گیتس...
و بخش واقعاً خوب ماجرا این است که...

هم همین الان رسیده!
امی پورتر

خیلی خوشحالم که بعد از این تعطیلات می بینمش. لبخند می زنم،
جوری که به نظر خودم قشنگ و دوستانه و گرم است. 😊
لبخندم تأثیری روی امی نگذاشته.

جوری به ام نگاه می کند انگار غیرعادی ام (که نیستم).



(شروع بدی است برای روزم.)

بعد اوضاع بدتر هم می شود...

تام!
مدرسه تیر شد!

بدویدو از کنار دلیا رد می شوم (هنوز بیرون دست شویی
منتظر است و دیگر حسابی هم عنق شده). به عشق خواهرانه اش محل
نمی گذارم.



پنلش!

در وقت بارزشم صرفه جویی می کنم:

موهایم را شانه نزدم



دندان هایم را مسواک نکردم (از خیلی وقت پیش)



مامان را وقت خداحافظی نبوسیدم 😞

(این کارها دیگر از سن من گذشته).

آخرین تکه ی نان برشته را می خورم، بعد تندی ناهار بسته بندی شده و
دوچرخه ام را برمی دارم. خطاب به هر کس صدایم را می شنود داد می زنم

فراخفا!

بعد حدود دو دقیقه مسیر سراسری را پا می زنم تا می رسم به مدرسه.

،،،



حالا



جلوی کلاس

آقای فولرمن (معلم کلاسمان) کل شاگردها را بیرون کلاس سر پا نگه می دارد. می گوید:

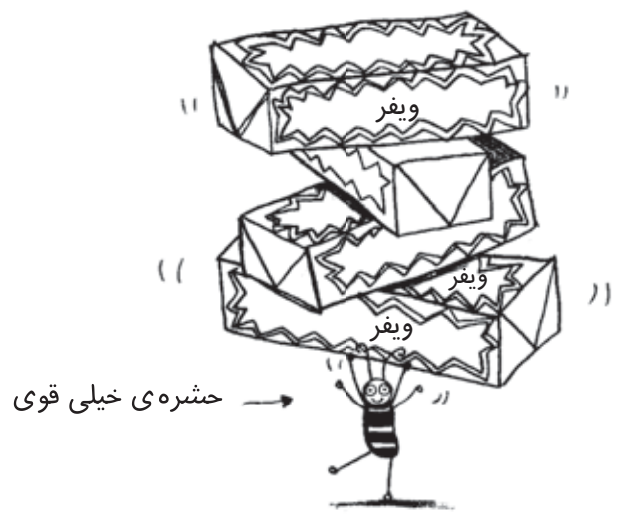
«خوش اومدید دوباره به مدرسه بچه های کلاس پنجم اف. من یه غافلگیری حسابی برای همه تون دارم.»

(که خبر خوبی نیست.)

وای نه!

جای همه ی میزهای کلاس را عوض کرده! الان دیگر جای من درست جلوی کلاس است. از این هم بدتر، مارکوس ملدروی زرزرو بغل دستی ام است.

فابعه است. حالا چطور می خواهیم نقاشی هایم را بکشم و کتاب قصه های مصورم را بخوانم؟ وقتی جایم ته کلاس بود، می توانستم این کارهایم را از چشم معلم قایم کنم. الان دیگر آن فور به آقای فولرمن نزدیکم که سرم را بالا بیاورم، می توانم سوراخ های دماغش را بینم.



چگونه

خواهر بداخلاق من، دلپا، را بکشید.

۱. یک این شکلی می کشید.

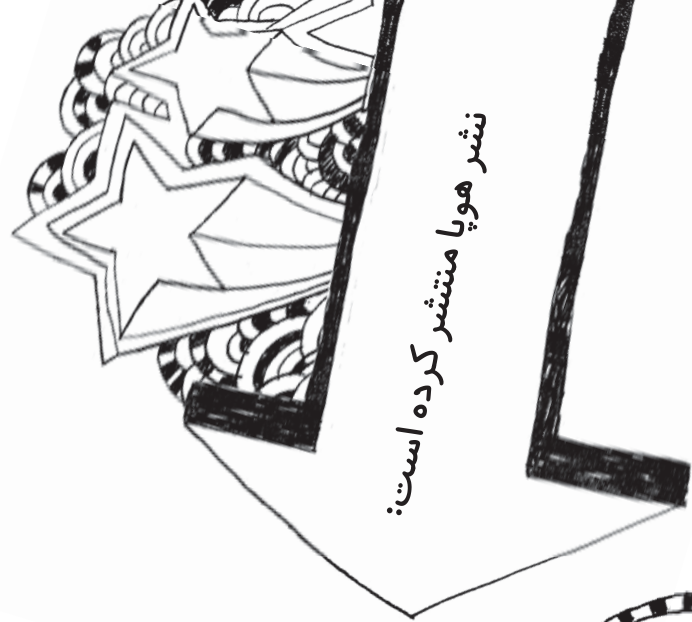
۲. بعد عینکش...

۳. توی عینک را رنگ می کنید.

گوش ها... (با اینکه حرف توی گوشش نمی رود ها). و موهای زشت و کثیفش...

...بعد هم یک خط خطی سیاه اضافه می کنید...





نشر هوپا منتشر کرده است:

یک مجموعه رمان گرافیکی

از زندگی سراسر طنز و شوخی یک پسر بچه‌ی باحال
سرک کشیدن توی زندگی معرکه‌ی یک پسر بچه‌ی و روجک که عاشق
موسیقی و نقاشی است و از درس و مدرسه فراری، چه مزه‌ای دارد؟
با تام گیتس همراه شوید و حسابی بخندید!



پرنده‌ی گول پیکر
کتاب حمل کن!

نگاه کنید!

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتابهای خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود. و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر